

رابرت وانوی ، خروج به تبعید، سخنرانی ۸ الف

یوشع ادامه

یوشع ج. فتح کنعان - یوشع ۵-۱۲. III بررسی

هفته گذشته وقتی داشتیم کتاب یوشع را بررسی می‌کردیم، به بخش سوم کتاب مقدس رسیدیم که عبارت شکست او پرداختیم. به Israel یوشع ۵-۱۲. «سپس در پایان ساعت، به حمله به عای و Canaan است از» :فتح این نتیجه رسیدیم که دلیل آن این بود که عخان برخی از چیزهای وقف شده را تصاحب کرده بود. وقتی عخان در دوباره به عای رفت و آنها به جای شکست، پیروز شدند. این منجر به بحث Israel، فصل ۸ پیدا و محاکمه شد نسبتاً طولانی در مورد یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به مکانی که در سوابق کتاب مقدس به عنوان عای شناخته بیتین بود. Bethel می‌شود و مشکل شناسایی محل شد. شناسایی سنتی عای، ایت-تل است. شناسایی سنتی لیونگستون و برخی دیگر استدلال کرده‌اند که مشکلات باستان‌شناسی مربوط به ایت-تل ناشی از شناسایی نادرست محل است. آنها به دنبال مکان دیگری، یا خیربت نیسیر یا تل المکاتیر، بوده‌اند. به نظر می‌رسد که مورد دوم در زیرا Bethel، حال حاضر بیشترین احتمال را دارد. این همچنین شامل شناسایی مجدد محل عای و عای می‌شود به البیره نقل مکان می‌کنند. نمی‌خواهم دوباره به جزئیات آن Bethel عای و عای نزدیک به هم بودند. آنها Bethel بحث برگردم، اما بحث هفته گذشته ما همین‌جا تمام شد.

بنابراین بیابید به بند ۳. تحت عنوان ج. برویم، که «تجدید عهد شکیم : تجدید عهد در شکیم - یوشع ۳۰:۸-۳۵:۳. یوشع ۳۰:۸-۳۵:۳» است. پس از آن پیروزی بزرگ در عای، در آیه ۳۰ از فصل ۸ می‌خوانیم: «یوشع بر... بنا او آن را مطابق آنچه در کتاب شریعت موسی نوشته ... Israel قربانگاهی برای یهوه، خدای Mount Ebal کرد.» شده است، ساخت «در انجام این کار، یوشع از قانون قربانگاه که در تثبیه ۵:۲۷ آمده است، پیروی کرد و آن را از سنگ‌های نتراشیده که در آنها هیچ ابزار آهنی به کار نرفته باشد «ساخت. به عبارت دیگر، او آن را مانند « قربانگاه‌های کنعانی ساخت.

در آنجا، یوشع در حضور بنی‌اسرائیل، شریعت موسی را که نوشته بود، بر «: حالا به آیه ۳۲:۸ بروید روی سنگ‌ها نوشت. تمام بنی‌اسرائیل، چه غریب و چه شهروند، به همراه بزرگان، مقامات و داورانشان، در دو طرف صندوق عهد خداوند ایستاده بودند و رو به روی کسانی که آن را حمل می‌کردند، یعنی کاهنان که لای و نیمی از آنها در مقابل Mount Gerizim بودند، ایستاده بودند. نیمی از مردم در جلوی ... ایستاده بودند پس از آن، «: سپس در آیه ۳۴ می‌خوانید. همانطور که موسی، بنده خداوند، قبلاً دستور داده بود Mount Ebal... یوشع تمام کلمات شریعت - برکت‌ها و لعنت‌ها - را همانطور که در کتاب شریعت نوشته شده است، خواند. هیچ از جمله زنان و کودکان و Israel ... کلمه‌ای از آنچه موسی دستور داده بود، نبود که یوشع برای تمام جماعت

«بیگانگانی که در میان آنها زندگی می‌کردند، نخواند

کاری که یوشع در آنجا انجام می‌دهد، پیروی از دستورالعمل‌هایی است که موسی در دشت‌های ... داده و این دستورالعمل‌ها دو بار در کتاب تثنیه تکرار شده‌اند. اولین مورد در آیات 11: 26-29 آمده است، Moab بود هنگامی که خداوند، خدایتان، شما را به سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شوید، «: جایی که موسی می‌گوید سپس در ابتدای تثنیه 27، موسی در آیه 2 «: بیایید، بر کوه چرزیم، برکات و بر کوه ایبال، لعنت‌ها را اعلام کنید از سرزمینی که خداوند، خدایتان به شما می‌دهد عبور کردید، چند سنگ بزرگ برپا کنید و می‌گوید: «: هنگامی که سپس آیه 4 می‌گوید: «: این سنگ‌ها Jordan «: آنها را با گچ بپوشانید. تمام کلمات این قانون را بر روی آنها بنویسید آیه 5 می‌گوید: «: در آنجا برای خداوند، خدایتان، قربانگاهی بسازید «:». «: mount Ebal را بر روی آنها برپا کنید عای، آنها Jericho بنابراین می‌بینید، یوشع اکنون در حال اجرای آن دستورالعمل‌ها است. بلافاصله پس از گرفتن به ایبال و چرزیم می‌روند و آنچه را که موسی دستور داده بود، انجام می‌دهند.

تشخیص شرایطی است که تحت آن می‌توانستند Israel، بنابراین به نظر من، پس از آن پیروزی‌های اولیه زمین را در اختیار داشته باشند: اطاعت از مفاد عهد و برکت در صورت اطاعت، اما نفرین در صورت نافرمانی. درست در آغاز اشغال سرزمین، این موارد به آنها یادآوری شد.

لشکرکشی جنوبی - یوشع ۹-۱۰. ۴.

الف. فریب جبعونیان

بیاید به بخش ۴ برویم، که «لشکرکشی جنوبی، یوشع ۹-۱۰ «: است. در چند آیه اول فصل ۹ می‌خوانید که بنی‌اسرائیل فریب خوردند و با برخی از ساکنان آن سرزمین، به رهبری ساکنان ... پیمان بستند. در عای چه کرده است، به حیل‌های متوسل Jericho مردم جبعون شنیدند که یوشع با آیه ۳ می‌خوانید: «: وقتی Gibeon شدند: آنها به عنوان هیئت رفتند که الاغ‌هایشان پر از کیسه‌های فرسوده و مشک‌های شراب‌کهنه، ترک خورده و تعمیر شده بود. مردان صندل‌های کهنه و وصله‌دار به پاهای خود پوشیدند و لباس‌های کهنه پوشیدند. تمام نان رفتند، ذخیره غذایی آنها خشک و کپک زده بود «: آنها به اردوگاه یوشع در جلجال، که اردوگاه اصلی آنها بود و در پایان آیه ۶ می‌گویند: «: ما از سرزمینی دور آمده‌ایم، با ما پیمان ببندید «: بنی‌اسرائیل در ابتدا شک Israel داشتند و اعتراض می‌کردند: «: شاید شما در نزدیکی ما زندگی می‌کنید. چگونه می‌توانستیم با شما پیمان ببندیم؟ «: جبعونیان در آیه ۹ پاسخ می‌دهند که از سرزمینی بسیار دور آمده‌اند. و اگر به آخرین جمله آیه ۱۱ مراجعه کنید، و بزرگان ما و همه کسانی که در سرزمین ما زندگی می‌کنند به ما گفتند: برای سفر خود آذوقه «: می‌گویند بردارید. به استقبال ایشان بروید و به ایشان بگویید: ما بندگان شما هستیم. با ما پیمان ببندید «: این نان ما وقتی در خانه در روزی که برای آمدن به نزد شما رفتیم، آن را بسته‌بندی کردیم، گرم بود. اما اکنون ببینید که چقدر خشک «: و کپک‌زده است

آیه «. آذوقه آنها نمونبرداری کردند، اما از خداوند نپرسیدند Israel مردان از «: در آیه ۹:۱۴ می‌خوانید در ترجمه جدید به ما می‌گوید که آنها با آنها پیمان صلح بستند تا به آنها اجازه زندگی بدهند و رهبران جماعت ۱۵ آن را با سوگند تأیید کردند. حال، زبان اینجا زبان فرمول‌های پیمان است. اگر به آیه ۷ برگردید، متوجه خواهید شد که این جبعونیان می‌گویند: «با ما پیمان ببندید» - یعنی پیمان ببندید. و در آیه ۸ متوجه می‌شوید که می‌گویند: «ما بندگان تو هستیم»؛ در اصل، این می‌گوید: «ما تابع تو هستیم» و سپس وقتی به آیه ۱۵ می‌رسیم، ترجمه جدید می‌گوید که «یوشع با آنها پیمان صلح بست». «این یک نقل قول است، زیرا اگر به عبری نگاه کنید، می‌گوید: سپس می‌گوید که او با آنها صلح کرد. او پیمان بست - در ترجمه . *karat berit* - «یوشع با آنها پیمان بست» جدید به «پیمان صلح» ترجمه شده است. اما *شالوم*، صلح، قرار بود بین طرفین پیمان وجود داشته باشد. آنها باید با یکدیگر در صلح باشند. سپس تصویب با سوگند وجود داشت که در برقراری پیمان‌ها و میثاق‌ها مرسوم بود. در پیمان سینا سوگند یاد Israel شما با سوگند یاد می‌کردید. ما در مورد پیمان کتاب مقدس صحبت کردیم - که کرد، و خدا در پیمان عهد با ابراهیم سوگند یاد کرد.

اما سپس آیه ۹:۱۶ به ما می‌گوید که سه روز پس از بستن پیمان با جبعونیان، بنی‌اسرائیل متوجه شدند که با فریبکاری این پیمان را به نام یهوه امضا کرده Israel همسایه آنها هستند و در میان آنها زندگی می‌کنند. کنعانی‌ها اما بنی‌اسرائیل به آنها حمله نکردند، زیرا رهبران جماعت به نام خداوند، «: بودند. به پایان آیه ۱۸ توجه کنید آنها قصد نداشتند سوگندی را که به نام خداوند خورده بودند، «. خدای اسرائیل، برای آنها سوگند یاد کرده بودند پس بنی‌اسرائیل حرکت کردند و در روز سوم به «: بشکنند. این فقط جبعونیان نبود، زیرا در آیه ۱۷ می‌خوانید شهر Gibeon همه آنها درگیر بودند، اما «. کفیره، بئیروت و قریات رسیدند» «یعیاریم، Gibeon شهرهای خود اصلی - قطعاً مهمترین همه آن شهرها - بود.

در آن زمان اتفاق افتاد، می‌خوانید. آنها Israel اوضاع از این قرار بود، بنابراین در آیه ۲۱ آنچه را که بگذارید زنده بمانند، اما بگذارید هیزمشکن و آبرسان برای کل جامعه باشند «بنابراین وعده رهبران به «: گفتند آنها به جبعونیان حمله نکردند آنها عملی شد و

بنابراین وقتی ساکنان دیگر کنعان از نه شهر دیگر از این توافق، این پیمان بین ب. ۵ پادشاهان ائتلاف جنوبی جبعونیان و بنی‌اسرائیل مطلع شدند، تصمیم گرفتند به جبعونیان حمله کنند. این یوشع ۱۰ است. در آیات اول درباره و آدونی صدق، پادشاه اورشلیم، شنید که یوشع عای را گرفته و آن را کاملاً نابود «: اتحاد پنج پادشاه می‌خوانید کرده است و با عای و پادشاهش همانطور که با اریحا و پادشاهش کرده بود، عمل کرده است و مردم جبعونی با جبعونی شهر Gibeon سپس در آیه ۲ می‌گوید که «اسرائیل پیمان صلح بسته‌اند و در نزدیکی آنها زندگی می‌کنند ، پس آدونی صدق، پادشاه عجلون «. مهمی بود. از عای بزرگتر بود و همه مردانش جنگجویان خوبی بودند یافیا، پادشاه عجلون، استمداد Lachish، هوام، پادشاه عجلون، پیرام، پادشاه یرموت Hebron از Jerusalem

بیاید و « گفت Jerusalem آنها این پنج پادشاه را گرد هم آوردند و ائتلافی تشکیل دادند و پادشاه عجلون ». کرد بنابراین آن پنج پادشاه از آیه «. زیرا با یوشع و بنی اسرائیل صلح کرده است، Gibeon در حمله به من کمک کنید و به آن Gibeon با هم متحد شدند و در پایان آیه ۵ آمده است که آنها تمام مواضع خود را در برابر آن گرفتند ۵ حمله کردند.

حال این موضوع یوشع و بنی اسرائیل را در تنگنا قرار می‌دهد، زیرا آنها با جبعونیان پیمانی بسته بودند و به یوشع در جبعونیان دقیقاً همان کاری را کردند که انتظار می‌رود انجام دهند. آیه 6 می‌گوید: «سپس جبعونیان اردوگاه جلجال پیام دادند: خدمتگزاران خود را رها نکن. به زودی نزد ما بیا و ما را نجات بده! به ما کمک کن، بدون شک یک بند حفاظتی در این پیمان وجود «. زیرا همه پادشاهان اموری از کوهستان علیه ما متحد شده‌اند داشت. بنابراین یوشع کاری را انجام می‌دهد که بدون شک در توافق‌نامه پیمان لازم بود: آنها با ارتش خود، از جمله بهترین مردان جنگجو، از جلجال حرکت کردند و خداوند می‌گوید: «از آنها نترسید. من آنها را به دست شما «سپرده‌ام و هیچ یک از آنها نمی‌تواند در برابر شما مقاومت کند».

اکنون می‌خواهم یوشع 10: 9-15 را بخوانم، زیرا این احتمالاً یکی از معجزات ج. خورشید در حال سکون پس از یک راهپیمایی تمام شب از جلجال، یوشع آنها را «: مورد بحث در عهد عتیق است. در آیه ۹ می‌خوانید که آنها را با پیروزی بزرگی در .. شکست، Israel غافلگیر کرد. خداوند آنها را در برابر خود به آشفته‌گی انداخت آنها را در امتداد جاده‌ای که به سمت بیت حورون می‌رفت، تعقیب کرد و آنها را تا عزبیه و Gibeon. Israel داد در جاده‌ای که از بیت حورون به عزبیه می‌ریختند، فرار می‌کردند، Israel مقیده نابود کرد. همانطور که آنها خداوند از آسمان بر آنها تگرگ‌های بزرگی فرو ریخت و تعداد بیشتری از آنها از تگرگ‌ها مردند تا اینکه با یوشع در حضور، Israel شمشیرهای بنی اسرائیل کشته شدند. در روزی که خداوند اموریان را تسلیم کرد [این معجزه‌ای است که توجه زیادی را به خود جلب کرده است [به خداوند گفت: «ای خورشید، بر جبعون Israel پس خورشید ایستاد و ماه ایستاد، تا زمانی که قوم از دشمنان خود «... Valley of Aijalon... بایست، ای ماه، بر انتقام گرفتند، همانطور که در کتاب یاشار نوشته شده است. خورشید در وسط آسمان ایستاد و حدود یک روز کامل در غروب کردن تأخیر کرد. هرگز چنین روزی پیش یا پس از آن نبوده است، روزی که خداوند به حرف [اینجا مضمون جنگجوی الهی را دارید. [سپس یوشع با همه Israel... کسی گوش دهد. مطمئناً خداوند برای Israel به اردوگاه در جلجال بازگشت]

با توجه به این موضوع، توصیف خورشید که ثابت ایستاده بحث‌های زیادی را به خود جلب کرده است. من فکر می‌کنم سه رویکرد اساسی وجود دارد که به دنبال تفسیر آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد هستند. من می‌خواهم به سرعت آنها را مرور کنم.

۱. افسانه خردگرایانه

تفسیر اول مورد قبول اکثر محققان اصلی کتاب مقدس است و آن را در تعداد زیادی از تفاسیر خواهید یافت. آنها این متن را به عنوان متنی می‌دانند که باید به معنای واقعی کلمه برداشت شود، اما نه چیزی که از نظر تاریخی قابل اعتماد باشد. این متن باید افسانه باشد، زیرا چنین چیزهایی اتفاق نمی‌افتد. این عمدتاً نوع دیدگاه عقل‌گرایانه‌ای است که توسط جهان‌بینی‌ای اتخاذ می‌شود که اجازه مداخله الهی از این نوع را در نظم طبیعی امور نمی‌دهد. بنابراین آنها توصیف اینجا را به معنای واقعی کلمه می‌دانند، اما می‌گویند که فقط افسانه است - غیرتاریخی.

رویکرد دوم، تفسیر شاعرانه یا غیر تحت‌اللفظی از این متن است. من یک دیدگاه بیان شاعرانه ۲. تاریخ نجات. - *heilsgeschichte* را با آن همراه می‌کنم، یک دیدگاه تاریخ نجات. شاعرانه یا *heilsgeschichte* اگر آن را شاعرانه در نظر بگیرید، که برخی چنین می‌کنند، آنگاه آیات ۱۲-۱۳ به عنوان عبارتی بسیار شبیه به عبارتی که در جای دیگر عهد عتیق می‌یابید، درک می‌شوند که تپه‌ها و کوه‌ها را در حال جست و خیز یا درختان را در حال دست زدن توصیف می‌کنند. یا داوران ۵:۲۰ را در نظر بگیرید، جایی که توصیف شاعرانه‌ای از نبرد علیه سیسرا دارید که در آن گفته می‌شود ستارگان علیه سیسرا جنگیدند. حتی مفسری مانند کیل (از مجموعه تفاسیر کیل و دلیتزش، که عموماً یک تفسیر محافظه‌کارانه قابل اعتماد است) آن را به عنوان روشی مجازی برای بیان این مطلب می‌داند که دعای یوشع به درگاه خداوند برای کمک با نیرویی تازه در سربازانش پاسخ داده شد، که سپس چنان شجاعانه جنگیدند که کار یک روز را در نصف روز انجام دادند. بنابراین برای آنها به نظر می‌رسید که روز طولانی شده است. می‌توانید این را طولانی شدن ذهنی بنامید. این رویکرد می‌گوید که باید به نوعی به صورت مجازی یا شاعرانه خوانده شود.

اگر به نقل قول‌هایتان در صفحه ۵۵ نگاه کنید، پاراگرافی از کیل وجود دارد که می‌گوید: «باید در نظر داشت که گفته نشده است که خدا آن روز را به درخواست یوشع تقریباً یک روز کامل طولانی‌تر کرد، یا اینکه او خورشید را تقریباً یک روز کامل ثابت نگه داشت، بلکه صرفاً گفته شده است که خدا به صدای یوشع گوش فرا داد. از دشمنانش انتقام گرفت. این تمایز بی‌اهمیت نیست. *Israel* یعنی، او اجازه نداد خورشید غروب کند تا زمانی که زیرا طولانی شدن معجزه‌آسای روز نه تنها [به این توجه کنید] اگر خورشید بسوزد یا غروب خورشید راهی باشد که چندین ساعت، به قدرت بی‌نهایت خدا، می‌تواند به ۱۲ تا ۱۸ ساعت افزایش یابد، بلکه اگر روز به نظر یوشع و تمام اسرائیل به طور معجزه‌آسایی طولانی شود، نیز اتفاق می‌افتد]. چرا؟ [زیرا کار انجام شده آنقدر بزرگ بود که تقریباً دو روز طول می‌کشید تا بدون کمک ماوراءالطبیعه انجام شود.» ببینید، این یک طولانی شدن ذهنی غیر تحت‌اللفظی است.

با نگاهی به پایین، متوجه خواهید شد که او می‌گوید: «بنی اسرائیل ساعت نداشتند و در طول آشفتگی نبرد، بسیار بعید است که یوشع یا هر کس دیگری که درگیر جنگ بوده، سایه خورشید و تغییرات آن را تماشا کند تا متوجه شود که خورشید واقعاً ثابت مانده است.» بنابراین او می‌گوید در چنین شرایطی، برای بنی اسرائیل کاملاً غیرممکن است که تصمیم بگیرند که آیا این یک واقعیت بوده یا فقط در تخیل خودشان بوده که روز طولانی‌تر از روزهای دیگر است. سپس او جمله آخر را بیان می‌کند: «به این باید ویژگی شاعرانه موجود در این آیات پیش روی ما را نیز اضافه کرد.» (آن دو آیه) ۱۲-۱۳ (از نظر فرم ادبی، شعر عبری هستند و می‌توانید موازی بودن فرم شاعرانه را ببینید).

مرتبط heilsgeschichte بنابراین این دیدگاه شاعرانه‌ای است که من آن را با دیدگاه تاریخ رستگاری یا *می‌دانم*. این دیدگاه در تعداد قابل توجهی از تفاسیر جریان اصلی امروزی رایج است که این کتاب‌های تاریخی را بیشتر الهیات می‌دانند تا تاریخ. کسی مانند محقق آلمانی به نام استرنگل می‌گوید: «این داستانی است که از او متقاعد شده بود که Israel، اعتقادات مذهبی او روایت می‌شود که خدا در زمان فتح به قومش کمک کرد Israel. یهوه به آنها در فتح سرزمین کمک می‌کند و آنها این اعتقاد را در داستان‌هایی از این دست ابراز می‌کردند.» ایمان او مهم هستند، اما تا Israel به عنوان شهادی بر Jordan بنابراین داستان‌هایی مانند این و عبور از رود سن جایی که به ما در مورد هر چیزی که واقعاً در تاریخ واقعی اتفاق افتاده است، بگویند، بی‌ارزش هستند.

اگر هر یک از شما دوره «بنیاد تاریخ کتاب مقدس» را گذرانده باشید، ممکن است این رویکرد را بشناسید. در آنجا در مورد ایده‌های گرهارد فون راد، *الهیات عهد عتیق* او و بحث او در مورد ماهیت مطالب ایمان او Israel تاریخی اسفار پنجگانه و این کتب تاریخی صحبت کردم. فون راد می‌گوید که این داستان‌ها بیانگر او با صحبت در مورد کارهایی که خدا انجام داده، ایمان خود را Israel هستند و آنها مخلوق ایمان او هستند اعتراف کرد. او می‌گوید که این نوع تاریخ اعترافی ارتباط کمی با *تاریخ* به معنای آنچه واقعاً اتفاق افتاده است، دارد یا اصلاً ارتباطی ندارد. حال، این یک مسئله مهم است؛ من نمی‌توانم زمان زیادی را برای ورود به جزئیات اینجا صرف کنم، اما اگر این داستان و همچنین سایر داستان‌های مشابه مداخله الهی - وقایع معجزه‌آسا مانند عبور از خروج، عبور از اردن یا این نبرد - فقط بیانگر ایمان اسرائیل باشند، به نظر من شما می‌گویید که رابطه بین ایمان و تاریخ معکوس است. از دیدگاه کتاب مقدس، تاریخ برای ایمان اساسی است. ایمان پاسخی به آنچه خدا در تاریخ می‌گوید و انجام می‌دهد، است. برعکس این نیست. ایمان، تاریخ را خلق نمی‌کند. ایمان ریشه در اعمال خدا در تاریخ دارد و از آن تغذیه می‌شود.

اعتقاد مذهبی یهودیان به قدرت خدا و فعالیت او در تاریخ، واقعاً Israel بنابراین در نهایت فکر می‌کنم که تفاوتی با اعتقاد ما ندارد. این اعتقاد بر آنچه خدا با کلام و عمل در تاریخ انجام داده است، استوار است. اگر آن ایمان یهودیان یا ایمان کلیسای اولیه باشند (و ما اغلب در روایت‌های عهد Israel کلمات و اعمال صرفاً بیانگر ایمان یهودیان و ایمان ما بر آن بنا شده Israel جدید از مداخله الهی به وضعیت مشابهی می‌رسیم)، آنگاه مبنایی که

است، از بین می‌رود. بنابراین فکر می‌کنم که تقلیل این امر به یک نوع ساختار الهیاتی «تاریخ شفابخش» به عنوان بیانگر ایمان اسرائیل، که هیچ ارتباطی با آنچه واقعاً اتفاق افتاده ندارد، موضعی خطرناک است.

این دو دیدگاه وجود دارد: یکی از آنها نوعی توضیح افسانه‌ای و عقل‌گرایانه برای این آیات است. دومی یا تاریخ نجات است *heilsgeschichte* دیدگاه شاعرانه یا

دیدگاه سوم، دیدگاهی تحت‌اللفظی و از نظر تاریخی توضیحات تحت‌اللفظی [انکسار نور یا تاریکی ممتد] ۳. قابل اعتماد خواهد بود که معتقد است این چیزی است که واقعاً اتفاق افتاده است. اما حتی در اینجا یک سوال تفسیری مطرح می‌شود: یوشع چه درخواستی داشت؟ آیا یوشع درخواست تمدید نور کرد تا به این ائتلاف پادشاهان حمله کند و آن را شکست دهد؟ یا آیا او درخواست تمدید تاریکی کرد؟ به عبارت دیگر، آیا او نور روز بیشتری برای شکست دشمن می‌خواست، یا می‌خواست از گرمای خورشید رهایی یابد تا این ائتلاف نیروها را در زیر پوشش تاریکی شکست دهد؟ به طور کلی، این به طور طبیعی به عنوان تمدید نور درک شده است؛ این یک روز و اگر بی‌حرکت ایستاده باشد، حرکت نمی‌کند و روز، Gibeon طولانی‌تر است، خورشید بی‌حرکت ایستاده است را طولانی‌تر می‌کند. اگر این درک را در نظر بگیرید و این سوال را بپرسید: "خب، چطور چنین چیزی می‌تواند اتفاق بیفتد؟"، من با دو توضیح مواجه شده‌ام. یک راه این است که چرخش زمین به دور محورش و ماه در مدارش را متوقف کنیم. به عبارت دیگر، اینطور نیست که خورشید به دور زمین نمی‌چرخد. این چرخش زمین به دور محورش است که چنین ظاهری را ایجاد می‌کند، و البته زمین همزمان به دور محورش و به دور خورشید می‌چرخد. اما این توقف چرخش زمین به دور محورش و توقف ماه در مدارش خواهد بود. بنابراین خورشید ثابت ماند و ماه همانطور که در متن آمده است، متوقف شد. خب، چطور ممکن است چنین اتفاقی بیفتد؟ خب، فکر نمی‌کنم بتوانید بگویید که نمی‌تواند اتفاق بیفتد؛ قدرت الهی قطعاً می‌تواند چنین چیزی را ایجاد کند.

اما دیگران آن را به شیوه‌ای متفاوت توضیح می‌دهند و می‌گویند که این معجزه شامل نوعی معجزه شکست نور است، به طوری که به نظر می‌رسد خورشید و ماه در مسیر عادی خود حرکت نکرده‌اند؛ ممکن است آنها به حرکت خود ادامه داده باشند، اما معجزه شکست نور رخ داده است. ستاره‌شناسان می‌گویند هر روز که غروب خورشید را تماشا می‌کنید، می‌توانید خورشید را چهار ثانیه پس از رفتن به زیر افق به دلیل شکست نور ببینید، زیرا به جو برخورد می‌کند و آن پرتوهای نور را خم می‌کند. مطمئن نیستم که واقعاً بتوانید دقیقاً تصمیم بگیرید که مکانیسمی که عمل الهی ایجاد کرده چیست، اما این طولانی شدن نور بود.

اما دیدگاه دیگری وجود دارد که می‌گوید: «نه، این طولانی شدن نور نبود، بلکه طولانی شدن تاریکی بود.» در نقل قول‌های شما در صفحه ۵۴، یک پاراگراف طولانی از ا.ج.بی. بلر و تفسیر او از یوشع در تفسیر جدید کتاب مقدس، نسخه اصلاح شده، وجود دارد. من قصد ندارم آن پاراگراف را بخوانم، اما می‌خواهم ایده‌های اساسی تفسیر بلر از این آیات را مرور کنم. او اشاره می‌کند که دعای یوشع در ساعات اولیه صبح پس از یک

راهپیمایی تمام شب از جلال انجام شد. یوشع آنها را غافلگیر کرد. بنابراین او نیروهای خود را در طول شب valley of حرکت می‌دهد. شما در یوشع ۱۲:۱۰ می‌خوانید که «خورشید بر جبعون و ماه بر فراز آن ایستاد در غرب است. در آیه valley of Aijalon اگر نگاه کنید، می‌توانید ببینید که جبعون اینجا است و آن «Aijalon شرق ایستاد»، بنابراین خورشید در حال طلوع است». ماه بر فراز ایجالون Gibeon می‌خوانید: «خورشید در ۱۲ ماه در غرب است. بنابراین به نظر می‌رسد که ساعات اولیه صبح باشد. حال با در نظر گرفتن این نکته، بلر - «و در آیه ۱۳ می‌خوانید: «Gibeon پیشنهاد می‌کند وقتی در آیه ۱۲ می‌خوانید: «ای خورشید، بی‌حرکت بایست معنای اصلی «ساکت باش «یا «متوقف *dom*. است *dom* پس خورشید ایستاد»، فعل عبری در هر دو مورد» و در آیه ۱۳ «Gibeon شو «را دارد. بنابراین، می‌توانید آن را اینگونه ترجمه کنید: «ای خورشید، بی‌حرکت شو به جای «متوقف شد «بگویید»: پس خورشید ایستاد؛ دیگر تابیدن نداشت، دیگر نمی‌درخشید

در آیه ۱۳ که «ماه ایستاد «و همچنین عبارت «خورشید ایستاد «را می‌خوانید، هر دو کلمه در زبان عبری «*عمد* «*هستند* که به معنای «ایستادن «است. با این حال، اگر به تمام کاربردهای «*عمد* «نگاه کنید، گاهی اوقات به معنای «متوقف شدن «است. به دوم پادشاهان ۴:۶ و یونس ۱:۱۵ نگاه کنید. بیابید پیشینه دوم پادشاهان ۴:۶ را بررسی کنیم: این یکی از همسران یکی از اعضای گروه انبیا است. شوهرش مرده بود و طلبکاری می‌آمد تا دو پسر این زن را به عنوان برده به جای پرداخت بدهی ببرد. او الیاس را صدا می‌زند و برو و از همه «می‌گوید: «من چیزی ندارم، نمی‌توانم این را بپردازم، روغن کمی دارم». الیاس در آیه ۳ می‌گوید همسایگان کوزه‌های خالی بخواه. فقط چند کوزه درخواست نکن. سپس به داخل برو و در را پشت سر خود و پسرانت ببند. روغن را در همه کوزه‌ها بریز و وقتی هر کدام پر شد، آن را در یک طرف بگذار «او او را ترک کرد و بعد از آن در را پشت سر خود و پسرش بست. آنها کوزه‌ها را نزد او آوردند و او همچنان می‌ریخت. وقتی همه کوزه‌ها پر شدند، به پسرش گفت: «یکی دیگر برای من بیاور «اما او پاسخ داد: «کوزه‌ای نمانده است». روغن متوقف: *amad* عبارت را می‌خوانید: «سپس روغن از جریان ایستاد». «از جریان ایستاد «می‌شود سپس نیست، اما ممکن است به معنای «متوقف شدن «*amad* است. این معنای عادی *amad* شد. این همان کلمه باشد. در یونس ۱:۱۵، وقتی یونس به دریا انداخته می‌شود، می‌خوانید: «آنها یونس را گرفتند، او را به دریا از - *amad* - «است، اما می‌گوید: «دریا ایستاد NIV انداختند و دریای خروشان آرام شد». «آرام شد «ترجمه. خروش خود آرام گرفت. بنابراین این یک راه ممکن برای ترجمه این عبارات است.

«اما در انتهای آیه ۱۳ این عبارت را نیز دارید: «خورشید به سرعت غروب نکرد، حدود یک روز کامل یعنی غروب کردن. اگر به معادل عبری «غروب کردن «نگاه کنید، «*لیو* «است. آن را به عنوان «آمدن یا - وارد شدن «تشخیص می‌دهید. وقتی با خورشید استفاده می‌شود، معمولاً به معنای غروب کردن یا پایین رفتن است. با این حال، در پایین آن یادداشتی وجود دارد: «یاتسای زاراک معمولاً ایده طلوع خورشید را بیان می‌کنند. با این

حال، در اشعیا ۱: ۶۰، «برخیز، بدرخش، زیرا نور تو آمده است»، «نور آمده است» «به صورت» **«بو»** است؛ و «جلال خداوند طلوع کرده است»، که **«زاراک»** موازی با **«بو»** است. می‌توان استدلال کرد که این موارد می‌توانند در مورد آمدن نور و طلوع خورشید صدق کنند. در مورد عبارت دیگر در آیه ۱۳، «حدود یک روز کامل»، این **«کلید است. تمیم. کیومر به معنی»** مثل یک روز «است. تمیم ایده کامل یا تمام شده است. بنابراین می‌توانید آن را به صورت «حدود یک روز کامل» ترجمه کنید. اما بلر پیشنهاد می‌کند که آن را به صورت «وقتی روز تمام می‌شود» ترجمه کنید. بنابراین، شما می‌گویید: «خورشید برای طلوع عجله نکرد، همانطور که وقتی روز تمام می‌شود» یا به عبارت دیگر، مانند زمانی که هوا تاریک می‌شود. خورشید از درخشیدن در میان آسمان دست کشید و برای آمدن عجله نکرد، به طوری که مانند زمانی بود که روز تمام می‌شود.»

تحلیل وانوی

فکر می‌کنم می‌توانید استدلال معقولی برای این گفته ارائه دهید که آنچه یوشع برای آن دعا کرد، قطع روشنایی بود. این را به متن برگردانید: شما در آیه ۹ درباره راهپیمایی تمام شب خواندید، و سپس در آیه ۱۱ خواندید: «خداوند سنگ‌های بزرگی پرتاب کرد و بیشتر این نیروی ائتلاف از سنگ‌های تگرگ مردند تا از شمشیر بنی اسرائیل». بنابراین شما متوجه می‌شوید که یوشع در طول شب به آنجا می‌آید، سپس طوفانی می‌آید، تاریکی را طولانی می‌کند، تعدادی از سربازان را با سنگ‌های تگرگ می‌کشد، و شما به جای طولانی شدن روشنایی، طولانی شدن تاریکی را دارید. این هنوز مداخله الهی است و خداوند پیروزی را می‌دهد.

به نظر من این خوانش «Israel شما در انتهای آیه ۱۳ می‌خوانید»: یقیناً خداوند برای [چیزی] می‌جنگید بعدی، از برخی جهات، در مقایسه با طولانی شدن نور، حق مطلب را در مورد کل زمینه‌ی شب و طوفان ادا می‌کند. اما از سوی دیگر، این یک روش غیرمعمول برای خواندن تعدادی از این کلمات است؛ این امکان وجود دارد، اما واضح‌ترین روش برای خواندن آن نیست. فکر می‌کنم مهم نیست که آن را چگونه بخوانید، نکته‌ی مهم پیروزی مداخله کرد Israel این است که خداوند برای دادن

د. شکست ۵ پادشاه

بسیار خوب، پیروزی‌ای که ما در اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم، تحت عنوان «لشکرکشی جنوبی»: یوشع ۹-۱۰ «است. آن پیروزی چیزی را آغاز کرد که می‌توان آن را «لشکرکشی جنوبی» نامید. در یوشع می‌خوانید که پنج پادشاه پس از حمله یوشع و بنی اسرائیل فرار کردند و در غاری در مقیده پنهان شدند - ۱۰:۱۶ این در نقشه قبلی، ۴۸ است. در هر صورت، آنها در آن غار پنهان شدند و وقتی یوشع از این موضوع باخبر شد، در آیه ۱۷ گفت: «سنگ‌های بزرگی را تا دهانه غار بغلتانید، چند مرد را در آنجا برای نگهبانی بگذارید، اما از

تعقیب دشمن خود دست نکشید» بنابراین آنها ارتش را تعقیب کردند و سپس به آن غار بازگشتند. در آیه ۲۲ یوشع دستور داد پنج پادشاه بیرون آورده شوند و سپس در آیه ۲۶ می‌خوانید که یوشع پادشاهان را زد و کشت و آنها را بر پنج درخت آویزان کرد.

بنابراین، در یوشع ۱۰:۲۶ می‌خوانید: «یوشع پادشاهان را زد و کشت و آنها را بر پنج درخت آویزان کرد... هنگام غروب آفتاب آنها را پایین آوردند و بر دهانه غار سنگ‌های بزرگی گذاشتند که تا به امروز آنجا هستند.» یک یادبود یا بنای یادبود دیگر وجود دارد، سنگ‌هایی که «تا به امروز» به عنوان یادآوری پیروزی خداوند بر این پنج پادشاه در آنجا قرار دارند.

land از یوشع ۱۰:۲۹ تا پایان فصل، درباره شهرهایی که یوشع در بخش جنوبی تصرف کرد، می‌خوانید در آیه ۳۲ متوجه خواهید شد که خداوند لاکیش را به اسرائیل تسلیم کرد، یوشع آن را تصرف کرد، of Canaan. در همین حال، هورام، پادشاه جازر، برای کمک به لاکیش آمده بود، اما یوشع او و لشکرش «و آیه ۳۳ می‌گوید در آیه ۳۴ آنها به عجلون نقل مکان کردند، به آن حمله». را شکست داد تا جایی که هیچ بازمانده‌ای باقی نماند در آیه ۳۶ آنها از Lachish کردند و همه کسانی را که در آن بودند، همانطور که در... انجام دادند، نابود کردند به آن حمله کردند و شهر را تصرف کردند. در آیه ۳۸ آنها به دبیر حمله کردند، Hebron عجلون به... رفتند شهر را به همراه پادشاه و شهروندانش تصرف کردند و آنها را از دم شمشیر گذراندند. آنها با دبیر و پادشاهان آن همانطور که با دیگران انجام داده بودند، رفتار کردند. بنابراین در آن منطقه جنوبی کنعان، آنها شهر به شهر را، پس یوشع تمام منطقه، از جمله کوهستان «تصرف کردند و خلاصه‌ای از آن را در آیه ۴۰ و بعد از آن می‌بینید، کوهپایه‌های غربی و دامنه‌های کوه، به همراه همه پادشاهان آنها را تسخیر کرد. او هیچ زنده‌ای را باقی Negev نگذاشت. او همه کسانی را که نفس می‌کشیدند، کاملاً نابود کرد، همانطور که خداوند، خدای اسرائیل، دستور داده یوشع آنها را از قادش «سپس در آیه ۴۱ شرحی از مرزهای سرزمینی که یوشع تصرف کرد، آمده است». بود بنابراین چهار شهر ذکر شده است. من فکر «Gibeon تا، مطیع ساخت Goshen و از تمام منطقه Gaza برنیع تا شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین شهرهای... بود «Beersheba می‌کنم که قادش برنیع مرز جنوبی است. بعداً،» دان تا در Beersheba. Gaza قادش برنیع حدود ۸۰ کیلومتر (حدود ۵۰ مایل) در جنوب... است. land of Israel. غرب ساحل، آن منطقه جنوبی که هنوز هم امروز است، قرار دارد. فلسطینیان در دوره عهد عتیق آنجا بودند.

نباید شما را گیج کند - این جوشن مصر نیست، بلکه Goshen آنها جنوب را داشتند، غرب را داشتند. این است. بعداً در کتاب یوشع، مرزهای قبیله‌ای شرح داده شده است، اگر به Judah... در منطقه کوهستانی Goshen و Goshen... یوشع 11:16 و 15:51 نگاه کنید. به یوشع 15:51 نگاه کنید: "در منطقه کوهستانی تعدادی شهر Judah. این تحت میراث قبیله... است که در آیه 20 آغاز می‌شود." جیلو - یازده شهر و روستاهای آنها Holon جنوب Judah... در منطقه کوهستانی Goshen اکثر می‌گویند که Goshen شامل آن می‌شود Judah... میراث بنابراین احتمالاً یک نقطه شرقی است و سپس جبهه شمالی. Negev احتمالاً در شرق Jerusalem بود.

در آیه 8 خواهد بود. این نوعی دایره از قلمرویی را که توسط یوشع در آن لشکرکشی جنوبی تصرف Gibeon شد، نشان می‌دهد.

بباید به 5 برویم، که "لشکرکشی شمالی: یوشع 11 : لشکرکشی شمالی - یوشع 11: 1-20] با اسب و ارابه] 5. چون یابین، پادشاه حاصور، «: است. در فصل ۱۱، ائتلاف دیگری از نیروها وجود دارد. شما می‌خوانید "1-20 از این ماجرا باخبر شد، پیامی برای یویاب، پادشاه مادون، پادشاهان شمرون و اکشاف، و پادشاهان شمالی که در کوهستان، در عربه، جنوب کینرت [یعنی منطقه دریای جلیل]، در دامنه‌های غربی و در نافوت بودند، فرستاد.» دور در غرب تا کنعانیان در شرق و غرب؛ تا اموریان، حتیان، فرزبان و بیوسیان در کوهستان؛ و تا حویان در پایین حرمون در منطقه مصفه] بنابراین همه این افراد از شمال هستند [آنها با تمام سربازان خود و تعداد زیادی اسب و ارابه بیرون آمدند - ارتشی عظیم، به بی‌شماری شن‌های ساحل دریا. همه این پادشاهان به هم بنابراین اینجا در شمال، ائتلاف قوی «Israel پیوستند و در کنار آب‌های میروم اردو زدند تا با آنها بجنگند دیگری از نیروها وجود دارد، و خداوند به یوشع چه می‌گوید؟ این آیه ۶ است»: از آنها نترسید [حتی اگر ارتشی Israel به بی‌شماری شن‌های ساحل دریا باشد]!، زیرا تا همین فردا همه آنها را به ... تسلیم خواهم کرد.

شما باید اسب‌هایشان را از پا درآوردید و ارابه‌هایشان را «: سپس این جمله جالب اضافی را می‌خوانیم حالا چرا این جمله آنجاست؟ اغلب وقتی نبردی در پیش است، فاتح سلاح‌های دشمن شکست‌خورده را «: بسوزانید می‌گیرد و خودش از آنها استفاده می‌کند. اما خداوند به یوشع می‌گوید: اسب‌هایشان را نگیر، بلکه آنها را بی‌فایده کن - آنها را از پا درآور و ارابه‌هایشان را بسوزان.» فکر می‌کنم آنچه اینجا اتفاق می‌افتد، اصلی است که در جاهای دیگر عهد عتیق نیز یافت می‌شود. اگر به مزمو ۲۰ در آیه ۷ نگاه کنید، می‌خوانید: «بعضی به ارابه‌ها و بعضی به اسب‌ها اعتماد دارند، اما ما به نام خداوند، خدای خود، توکل می‌کنیم. آنها به زانو در می‌آیند و می‌افتند، «: اما ما برمی‌خیزیم و محکم می‌ایستیم»

جالب است که وقتی در دوم سموئیل ۸ به زمان داوود می‌رسیم، جایی که داوود فتوحات خود را فهرست داوود هزار ارابه او را به غنیمت گرفت، هفت هزار ارابه‌ران و بیست «: می‌کند، در دوم سموئیل ۸:۴ می‌بینیم حالا به عبارت بعدی توجه کنید: «او همه اسب‌های ارابه را به جز صد اسب، از پا درآورد.» «هزار سرباز پیاده بنابراین او اساساً همان کاری را کرد که یوشع انجام داد، با این تفاوت که صد اسب را نگه داشت. وقتی به دوم سموئیل ۱۵:۱ می‌رسیم، وقتی ابشالوم سعی می‌کند داوود را سرنگون کند، ابشالوم چه می‌کند؟ ابشالوم «برای خود ارابه و اسب و پنجاه مرد که پیشاپیش او بودند، فراهم کرد.» او تصور متفاوتی از نقش پادشاه داشت. در اول پادشاهان ۴:۲۶ به زمان سلیمان می‌رسیم و سلیمان با ارابه‌ها و اسب‌ها چه می‌کند؟ سلیمان چهار هزار اصطبل برای اسب‌های ارابه و دوازده هزار اسب داشت. شما پیشرفت را از زمان یوشع می‌بینید، که همه اسب‌ها را از پا درآورده است؛ سپس، هنگامی که پادشاهی مستقر می‌شود، داوود صد اسب و سلیمان دوازده هزار اسب دارد.

سرزمین آنها پر از نفره و طلا است؛ « Israel: سپس به کتاب اشعیا می‌رسید. در اشعیا ۷:۲ او می‌گوید گنجینه‌های آنها بی‌پایان است. سرزمین آنها پر از اسب است؛ ارابه‌های آنها بی‌پایان است. سرزمین آنها پر از بت است؛ آنها در برابر کار دست خود، در برابر آنچه انگشتانشان ساخته است، سر تعظیم فرود می‌آورند. پس انسان پست و بشریت فروتن خواهد شد - آنها را نبخش...چشمان مرد متکبر فروتن و غرور مردان پست خواهد شد؛ تنها خداوند در آن روز متعال خواهد بود. خداوند متعال روزی را برای همه متکبران و مغروران، برای همه آنچه والا وای بر کسانی که برای کمک به مصر « اشعیا ۱:۳۱ بروید است، در نظر دارد (و آنها فروتن خواهند شد «.به) می‌روند، کسانی که به اسب‌ها تکیه می‌کنند، کسانی که به کثرت ارابه‌های خود و به قدرت عظیم سواران خود یک مشکل وجود دارد، و این «اعتماد دارند، اما به قدوس اسرائیل نگاه نمی‌کنند یا از خداوند کمک نمی‌خواهند land of Canaan شروع به مطرح شدن می‌کند [موضوع Israel] درست همین جا مطرح می‌شود، چون

من فکر نمی‌کنم که ثروت به خودی خود مشکلی داشته باشد، اما فکر می‌کنم سلیمان بیشتر به ماشین‌آلات نظامی، سلاح‌ها و اندازه نیروهایش اعتماد کرد تا به خداوند. در نهایت، در اول پادشاهان ۱۱، قلب او چون سلیمان پیر شد، همسرانش قلب او را به سوی « از خداوند روی برگرداند. اول پادشاهان ۴:۱۱ می‌گوید و آیه ۹ «خدایان دیگر برگرداندند و قلب او مانند قلب پدرش داوود، کاملاً به یهوه، خدایش، اختصاص نداشت به نظر من، ثروت به خودی «خداوند از سلیمان خشمگین شد زیرا قلب او از خداوند منحرف شده بود « می‌گوید خود مشکلی ندارد و خداوند سلیمان را با ثروت برکت داد. اما فکر می‌کنم مسئله این بود که سلیمان در کجا به دنبال امنیت بود. آیا او سعی داشت با اطاعت از کلام خداوند، به خواسته‌های عهد، امنیت پیدا کند، یا اینکه امنیت خود را صرفاً در قدرت نظامی خود می‌دید؟

بنابراین در یوشع ۸:۱۱ می‌خوانید که خداوند پیروزی را به آنها عطا کرد. آنها آنها را شکست دادند، تعقیب کردند، و سپس در آیه ۹ می‌خوانید که یوشع آنچه را که خداوند گفته بود انجام داد. او اسب‌هایشان را پی کرد و ارابه‌هایشان را سوزاند. او هیچ یک از آنها را نگه نداشت. سپس می‌خوانید که او تمام آن قلمرو را در شمال پس یوشع تمام این سرزمین را تصرف کرد: « تصرف کرد، و خلاصه‌ای از آن در آیه ۱۶ آغاز می‌شود کوهستان، تمام نیگب، تمام منطقه جوشن، دامنه‌های غربی، عربیه و کوه‌های اسرائیل با دامنه‌های آنها... او تمام جز ساکنان جبعون، هیچ شهری با بنی‌اسرائیل پیمان صلح پادشاهان آنها را اسیر کرد و آنها را زد و کشت... به تا Israel، نسبت «سپس در آیه ۲۰ می‌خوانید»: زیرا خود خداوند بود که دل آنها را سخت کرد تا علیه آنها بروند آنها را کاملاً نابود کنند و بدون رحمت آنها را نابود کنند، همانطور که خداوند به موسی گفته بود «سپس در آیه می‌خوانید»: پس یوشع تمام سرزمین را تصرف کرد، همانطور که خداوند به موسی دستور داده بود و آن را به ۲۳ «اساس تقسیمات قبیله‌ای آنها به آنها داد Israel عنوان میراث بر

تفسیر نسبتاً طولانی در مورد یوشع توسط دیوید هاوارد در مجموعه الهیات یوشع ۱-۶ نوشته دیوید هاوارد ۶.

تفسیرهای جدید آمریکایی وجود دارد. او در تفسیر الهیات یوشع ۶-۱۲، یعنی همان بخش‌هایی که ما به آنها نگاه کردیم، اظهارات جالبی دارد. من فقط می‌خواهم یک پاراگراف بخوانم. این در نقل قول‌های شما نیست، اما این در صفحه ۲۸۷ تفسیر دیوید هاوارد در مورد یوشع در مجموعه تفسیرهای جدید آمریکایی است. او این نظر را بیان بدون حضور خدا در میان آنها و پیشروی آنها، نمی‌توانستند سرزمین را تصرف کنند. او بارها به Israel «می‌کند یوشع و مردم یادآوری کرد که او با آنهاست و نباید بترسند، زیرا او برای آنها خواهد جنگید. در هر نبرد نظامی، عای، جبعون و مرزهای میروم، متن Jericho خدا پیروزی را برای قوم خود فراهم کرد. در نبردهای بزرگ در دست... تسلیم کرد. در نبردهای Israel و دشمنان را به Israel به این واقعیت توجه می‌کند که خدا برای... جنگید کوچکتر در فصل 10، همین امر برای اکثر شهرهای فتح شده بیان شده است. حتی یک بار هم بنی‌اسرائیل به دلیل نیروی نظامی برتر خود پیروز نشدند. در بیشتر موارد، گویی بنی‌اسرائیل صرفاً مجبور بودند عقب بایستند و خدا را در حال کار از جانب خود ببینند.» بنابراین او ادامه می‌دهد: «خدا و تنها خدا در این امور بر دشمن پیروز بود.»

7. فتح سرزمین توسط یوشع

land of در همان ابتدای بحثمان در مورد یوشع، تأکید کردم که یکی از مضامین این بود که خداوند به قوم خود داده بود. بنابراین خلاصه‌ای از فتح را در پایان فصل ۱۱ می‌بینید. آیه ۲۳ را می‌خوانیم: Canaan «یوشع تمام سرزمین را تصرف کرد، همانطور که خداوند به موسی دستور داده بود»

اما بعد به فصل ۱۲ برمی‌گردید که در آنجا فهرستی از تمام شهرها و پادشاهانی که یوشع تصرف کرد، آمده است. اگر به فصل ۱۳ مراجعه کنید، در آیه ۱ می‌خوانید: «وقتی یوشع پیر و سالخورده شد، خداوند به او گفت: «تو بسیار پیر هستی و هنوز زمین‌های بسیار وسیعی برای تصرف وجود دارد. این زمینی است که باقی می‌ماند...» و فهرستی از مکان‌ها را دارید. چگونه یوشع ۱: ۱۳ «هنوز زمین‌های بسیار وسیعی برای تصرف وجود دارد» (را با ۲۳: ۱۱) «یوشع تمام زمین را تصرف کرد، همانطور که خداوند دستور داده بود» «کنار هم قرار می‌دهید؟ برخی آن را تناقض آشکار می‌دانند. من فکر نمی‌کنم که باید اینطور خوانده شود. به نظر من، آنچه در آن لشکرکشی جنوبی و آن لشکرکشی شمالی اتفاق افتاد این است که یوشع ابتدا به جنوب رفت و تعدادی از شهرهای بزرگ را تصرف کرد و مقاومت کنعانی‌ها را در هم شکست. سپس او همین کار را در شمال انجام داد، آن ائتلاف پادشاهان را شکست داد و اراده مقاومت در شمال را در هم شکست. اما پس از آنکه دارایی‌های قبیله‌ای توصیف شد و هر قبیله برای سکونت و اشغال سرزمینی که به آنها داده شده بود، وارد آنجا شد، باید فتح را تکمیل می‌کرد. وقتی به داوران ۱ می‌رسید، متوجه می‌شوید که هر قبیله باید به قلمرو خود می‌رفت و فتح را تکمیل می‌کرد، و برخی از آنها - در واقع، بیشتر آنها - این کار را نکردند. اینجاست که پیامدهای شرح داده شده در کتاب داوران را می‌بینید.

شما آن لشکرکشی سریع اولیه را داشتید که از Iraq بیایید به وضعیت اخیر جنگ در ...نگاهی بیندازیم و ارتش عراق را شکست داد. آن یکی از این لشکرکشی‌های سریع بود. اما در پی Bagdad جنوب تا ...پیش رفت آن، با پایان عملیات جنگی بزرگ، آنها مجبور شدند تمام شهرها و روستاها را اشغال و کنترل کنند که بسیار بیشتر ...Canaan فتح و اسکان Israel طول کشید. به نظر من وضعیت مشابهی در

د. در طرح کلی شما "تقسیم زمین: یوشع 13-22" است. من قصد ندارم د. تقسیم زمین - یوشع 13-22 فصل‌های 13-22 را بخوانم. این نوع مطالبی است که ممکن است در خواندن و حفظ علاقه به آن کمی مشکل داشته باشید، زیرا در بیشتر موارد لیستی از شهرها یا شهرستان‌ها است. آن شهرها مرزهای هر یک از سرزمین‌های قبیله‌ای هستند. اکنون این بخش از یوشع برای افرادی که به جغرافیای تاریخی علاقه‌مند هستند، بسیار جالب است، کسانی که به دنبال یافتن این مکان‌ها و توصیف مرزها با تمام این فهرست‌های مکان‌ها هستند. البته شما به مسائل مربوط به شناسایی مکان می‌رسید، و این بدان معناست که اگر اطلس‌ها را مقایسه کنید، خواهید دید که مرزها کمی متفاوت هستند. این تقریباً همان چیزی است که در فصل‌های 13 تا 22 دارید.

۱. محل خیمه در شیلو.

می‌خواهم توجه شما را به نکته‌ی دیگری که در این بخش ذکر شده است جلب کنم. یک موضوع بسیار تمام جماعت بنی‌اسرائیل «: مهم وجود دارد و آن مکان خیمه است. در یوشع ۱: ۱۸ در اواسط این بخش می‌خوانید و خیمه‌ی ملاقات را در آنجا برپا کردند. کشور تحت کنترل آنها درآمد، اما هنوز هفت Shiloh در آنجا جمع شدند بنابراین قرار بود خیمه در شیلوه قرار «: قبیله‌ی بنی‌اسرائیل بودند که هنوز میراث خود را دریافت نکرده بودند در Shiloh طول دوره‌ی داوران تا زمان سموئیل در آنجا باقی ماند. به یاد دارید که فلسطینیان Shiloh گیرد و در زمان الی و سموئیل به تابوت حمله کردند، آن را تصرف کردند و نابود کردند. بنابراین در ابتدا تابوت در شیلوه قرار داده شد و سپس در فصل ۲۲ می‌بینید که مردم ماوراء اردن (روبن، جاد و نیمی از قبیله‌ی منسی (که در فتح همراه بودند، برای سکونت در آن سرزمین بازگشتند. بنابراین من فقط می‌خواستم آن دو نظر را در Israel مورد بخش تقسیم زمین در یوشع ۱۳-۲۲ بیان کنم.

که ما را به «آخرین روزهای یوشع: یوشع ۲۳-۲۴» «: «ه». آخرین روزهای یوشع - یوشع ۲۳-۲۴ پس از گذشت مدت‌ها و آرامشی که خداوند به بنی‌اسرائیل از شر «: می‌رساند. در ابتدای فصل ۲۳ می‌خوانید دشمنان اطرافشان داده بود، یوشع که در آن زمان پیر و سالخورده شده بود، تمام بنی‌اسرائیل - بزرگان، رهبران داوران و صاحب‌منصبان - را فراخواند و به ایشان گفت: «من پیر و سالخورده شده‌ام.» شما خود هر آنچه را که او قرار است انجام دهد این است که یهوه خدایتان به خاطر شما با همه این ملت‌ها کرده است، دیده‌اید.» کاری که

به خداوند وفادار بماند، خدا را با تمام قلب، ذهن و جان خود دوست داشته باشد و از احکام او اطاعت کند؛ Israel زیرا اگر اطاعت نکنند، می‌توانند مطمئن باشند که خداوند آنها را داوری خواهد کرد. به آنچه او در آیه ۱۲ می‌گوید اما اگر روی برگردانید و با بازماندگان این ملت‌هایی که در میان شما باقی مانده‌اند، متحد شوید و اگر « توجه کنید با آنها ازدواج کنید و با آنها معاشرت کنید، آنگاه می‌توانید مطمئن باشید که یهوه خدایتان دیگر این ملت‌ها را از پیش روی شما بیرون نخواهد کرد. در عوض، آنها برای شما دام و تله، تازیانه بر پشت و خار در چشمان شما و سپس می‌گوید: «. خواهند شد تا زمانی که از این سرزمین نیکو که یهوه خدایتان به شما داده است، هلاک شوید من به راه تمام زمین خواهم رفت» - به عبارت دیگر، او در شرف مرگ است. سپس می‌گوید: « شما می‌دانید که هیچ یک از وعده‌های خداوند عملی نشده است. هر وعده‌ای محقق شده است. هیچ‌کدام شکست نخورده‌اند. اما [اینجا همانطور که هر وعده خوب خداوند، خدای شما، به حقیقت پیوسته است، خداوند تمام بلاهایی را [طرف دیگر است که تهدید کرده است بر شما نازل خواهد کرد تا شما را از این سرزمین خوبی که به شما داده است، نابود کند. اگر عهد خداوند، خدای خود را که به شما امر کرده است، بشکنید و بروید و خدایان دیگر را عبادت کنید و در برابر آنها سجد کنید، خشم خداوند بر شما شعله‌ور خواهد شد و به سرعت از سرزمین خوبی که به شما داده است، هلاک خواهید شد.

بنابراین اینها سخنان یوشع برای نصیحت بنی‌اسرائیل در زمانی است که او پیر و در آستانه مرگ است. فصل ۲۴ بسیار شبیه است. دشوار است بدانیم که آیا فصل‌های ۲۳ و ۲۴ سخنرانی برای یک مجمع هستند یا فصل به Israel مجمع دیگری است. متوجه خواهید شد که فصل ۲۴ با تعیین مکان آغاز می‌شود: یوشع همه قبایل را ۲۴ شکیم فرستاد. شاید فصل ۲۳ همان مکان باشد.

اما وقتی به فصل ۲۴ می‌رسید و آن را می‌خوانید، فکر می‌کنم عناصر شکل پیمان را یوشع ۲۴ - تجدید پیمان دوباره خواهید دید. ما در مورد شکل پیمان که از شکل پیمان هیتی الگوبرداری شده است صحبت کردیم. شما در مقدمه‌ای دارید: "این چیزی است که یهوه خدای اسرائیل می‌گوید." مقدمه شریک ارشد پیمان را مشخص 2a می‌کند.

اما « تا 13 دارید. به خلاصه اعمال خیرخواهانه قبلی توجه کنید b شما معادل یک مقدمه تاریخی را در 2 و فرزندان Canaan من پدر شما ابراهیم را از سرزمین آن سوی رودخانه گرفتم و او را به سراسر آن هدایت کردم بسیاری به او دادم. من اسحاق را به او دادم و به اسحاق یعقوب و عیسو را دادم. من منطقه کوهستانی سعیر را به سپس موسی و هارون را فرستادم و مصریان. Egypt عیسو اختصاص دادم، اما یعقوب و پسرانش به آنجا رفتند Egypt، را با آنچه در آنجا انجام دادم، رنج دادم و شما را بیرون آوردم. وقتی پدران شما را از آنجا بیرون آوردم، اما آنها برای کمک به خداوند. Red Sea به دریا آمدید و مصریان آنها را با اربه‌ها و سواران تا آنجا تعقیب کردند فریاد زدند و او تاریکی بین شما و مصریان قرار داد. او دریا را بر آنها آورد و آنها را پوشاند. شما با چشمان خود

دیدید که من با مصریان چه کردم. سپس مدت زیادی در بیابان [دوران بیابان] زندگی کردید. من شما را به آنها با شما جنگیدند، اما من آنها را به Jordan سرزمین اموریان که در شرق [مصر] زندگی می‌کردند، آوردم دست شما دادم. من آنها را نابود کردم.» از پیش روی شما، و شما سرزمین آنها را تصرف کردید. هنگامی که بعور را فراخواند تا شما را نفرین کند. Israel آماده جنگ با آنها شد، بلعام پسر Moab بالاق پسر صفور، پادشاه اما من به بلعام گوش ندادم، بنابراین او بارها و بارها شما را برکت داد و من شما را از دست او نجات دادم. سپس شهروندان اریحا با شما جنگیدند، همانطور که Jericho. و به آنجا آمدید Jordan شما از رودخانه عبور کردید اموریان، فرزبان، کنعانیان، حتیان، جرجاشیان، حویان و بیوسیان نیز جنگیدند، اما من آنها را به دست شما تسلیم کردم. من زنبور را پیشاپیش شما فرستادم که آنها را از پیش روی شما بیرون راند - همچنین دو پادشاه اموریان بنابراین من به شما زمینی [این تأکید دوباره وجود دارد]. را. شما این کار را با شمشیر و کمان خود انجام ندادید دادم که در آن زحمت نکشیدید و شهرهایی که نساختید؛ و شما در آنها زندگی می‌کنید و از تاکستان‌ها و باغ‌های این یک مقدمه تاریخی کلاسیک است، فهرستی از روابط قبلی و اعمال. زیتونی که خودتان نکاشته‌اید، می‌خورید خیرخواهانه پادشاه بزرگ نسبت به رعیتش.

سپس شروطی را در یوشع ۱۴:۲۴، ۱۵ و ۲۵ داریم. هم شروط اساسی و هم شروط جزئی وجود دارد. اکنون از خداوند بترسید و او را «در آیه ۱۴ شرط اساسی، یعنی تعهد اساسی وفاداری به پادشاه بزرگ را داریم با تمام ایمان عبادت کنید. خدایانی را که پدرانان در آن سوی رودخانه و در [مصر] می‌پرستیدند، دور بیندازید در آن روز یوشع برای قوم عهد». سپس آیه ۲۵ شامل شروط مفصلی است «و خداوند را عبادت کنید Egypt». بست و در آنجا در شکیم برای آنها فرایض و قوانین وضع کرد.

سپس سوگند در آیات ۱۶، ۲۱ و ۲۴ آمده است. در آیه ۱۶ مردم پاسخ دادند: «حاشا از ما که خدایان دیگر را عبادت کنیم.» در آیه ۲۱ مردم به یوشع گفتند: «ما خداوند را عبادت خواهیم کرد.» آنها در آیه ۲۴ می‌گویند: «ما خداوند، خدای خود را عبادت خواهیم کرد.»

شما در آیات ۲۲ و ۲۷ شاهدانی دارید: «یوشع گفت: شما بر خود شاهد هستید که برگزیده‌اید خداوند را ببینید! این سنگ بر ما شاهد خواهد بود. این سنگ «خدمت کنید.» آنها پاسخ دادند: «بله، ما شاهدیم.» و آیه ۲۷ «تمام سخنان خداوند را که به ما گفته است، شنیده است. اگر به خدای خود خیانت کنید، بر شما شاهد خواهد بود و یوشع این امور را در کتاب «یک عنصر ساختاری دیگر در عهد وجود دارد - سند عهد در آیه ۲۶ شریعت خدا نوشت. سپس سنگی بزرگ برداشت و آن را زیر درخت بلوط، نزدیک مکان مقدس خداوند، بر پا داشت.»

بنابراین شما آن عناصر اساسی را دارید. این به طور سفت و سخت کلیشه‌ای نیست، اما آرمان‌های اساسی آن شکل پیمان هیتی که در عهد سینا منعکس شده بود، در این روز تشریفاتی در شیم، در نقطه گذار از رهبری کتاب تثنیه و گذار از رهبری موسی به Moab یوشع به دورانی جدید، دوباره ظاهر شد. تجدید عهد در دشت‌های

یوشع را به یاد داشته باشید. اکنون به پایان زندگی یوشع می‌رسیم و در حال گذار از یوشع، رهبر منصوب بر قوم در سرزمین ساکن می‌شود و وظیفه دارد به عنوان قوم خدا بدون رهبر ملی زندگی Israel خدا، به زمانی هستیم که کند. خدا پادشاه آنها بود و وظیفه آنها پیروی از مفاد عهد بود. این قرار بود یک تئوکراسی باشد. یهوه پادشاه بود. در کتاب داوران خواهید دید که آنها واقعاً این کار را نمی‌کنند و همه چیز از هم می‌پاشد.

ف. الهیات یوشع - دیدگاه وانوی

الهیات یوشع «مقاله‌ای است که من برای فرهنگ بین‌المللی جدید الهیات و تفسیر عهد»
عتیق نوشته. بیشتر این مجموعه شامل مطالعات و اژگان است، اما جلد ۴ مقالات زیادی در مورد الهیات هر کتاب در عهد عتیق به همراه چند مقاله اضافی دارد. من دوست دارم برخی از این مقاله را بخوانم و فقط چند نکته را برجسته کنم. به صفحه ۸۱۳ مقاله بروید. قبل از آن ما در مورد ساختار کتاب یوشع صحبت می‌کردیم، اما از صفحه ۸۱۳ تا صفحه ۸۱۴ فکر می‌کنم می‌توانید ایده‌ای از ساختار کتاب به دست آورید. این از مردی به نام کوروار گرفته شده است که پایان‌نامه‌ای در مورد ساختار کتاب یوشع نوشته است. به نحوه ترسیم ساختار توسط او توجه کنید. من فکر می‌کنم که با محتوا مطابقت دارد. او عنوان «مقاطع» را به بخش ۱:۱ تا ۵:۱۲ می‌دهد. «عبر» (در زبان عبری به معنای «عبور کردن» است. او در مورد ابتکارات موسی تا آنجا که به محتوای ساختار در یوشع ۹-۱:۱ Jordan کتاب مربوط می‌شود، صحبت می‌کند. بنابراین اولین ابتکار الهی، عبور از [عبور از] است. اولین اختتامیه، ختنه و عید فصیح در جلال است. بنابراین در آن بخش اول، «ابتکار الهی و اختتامیه»، یوشع ۱:۱ تا ۵:۱۲ «عبور» شده است.

بخش دوم، یوشع ۵:۱۳ تا ۱۲:۲۴، «**لَقَه**» است، به معنای «گرفتن یا حمله کردن»، و این فتح است. و ۱۱:۱۶ تا ۱۲:۲۴ دومین وقایع‌نگاری پیروزی است. Jericho. این دومین ابتکار خدا، یعنی تصرف... است بخش سوم، یوشع ۱۳-۲۱، «تقسیم کردن» است؛ در عبری «**هَلَق**» است. متوجه می‌شوید که از «**لَقَه**» به «**هَلَق**» می‌روید. حروف یکسان هستند، فقط به ترتیب معکوس. «**آبر**» دارید، «عبور کردن»؛ «**لَقَه**» به منظور پایان Canaan دارید، «حمله کردن»؛ «**هَلَق**» دارید، «تقسیم کردن» - سومین ابتکار خدا در تقسیم دادن به میراث یوشع. خدا شهرهای پناهگاه را تعیین می‌کند. بخش چهارم «خدمت می‌کنند» است - که در عبری **آباد** است. نوعی توازی با «عبور کردند» می‌بینید، «**آبر**». آنها شبیه به هم هستند؛ تنها تفاوت، حرف آخر «بنابراین، فکر می‌کنم این طرح کلی خوبی از آنچه در کتاب می‌گذرد به شما. resh [r] به daleth [d] است، می‌دهد. شما عبور می‌کنید، می‌گیرید، تقسیم می‌کنید و به خداوند خدمت می‌کنید». خدمت به خداوند «همان دو فصل پایانی است که ما به آنها پرداختیم.

بنابراین کوروار استدلال می‌کند که هدف الهیاتی آشکار شده از نظر ساختاری در کل کتاب یوشع در

بخش اصلی سوم یافت می‌شود». صلیب «به علاوه» گرفتن «معادل» تقسیم کردن «است. بخش سوم، توصیف آن مرزهای قبیله‌ای است. او در آن بخش سوم (که بخش تقسیم است)، یک ساختار کیاستیک متحدالمرکز پیدا می‌کند. کیاستیک‌ها مطالعه جالبی هستند. شما اغلب تعجب می‌کنید که چقدر در متن آورده شده و چقدر در خود متن ذاتی است. شما شروع به بررسی ساختارهای کیاستیک مختلف انجام شده توسط افراد مختلف می‌کنید و اغلب اختلاف نظر وجود دارد. ابتدا به نحوه تعریف مرزهای واحدها بستگی دارد. این می‌تواند در بسیاری از موارد قابل بحث باشد. اما در هر صورت، کوروار این ساختار کیاستیک را در آن بخش سوم می‌بیند. توجه کنید که در قلب آن برده شد. «نظر من را در آنجا ببینید»: در مرکز این سازه، Shiloh... خیمه اجتماع به» E. 18: 1-10. چیست کوروار این را تحقق وعده مهم پنطیکاست می‌داند: «من در میان Shiloh. برپایی خیمه اجتماع در... قرار دارد شما ساکن خواهم شد و شما را رها نخواهم کرد. من در میان شما خواهم بود و خدای شما خواهم بود و شما قوم من به Israel خواهید بود.» این آخرین وعده در فهرست برکاتی بود که موسی در لایوان ۲۶ داده است.» اکنون سرزمین می‌رسیم و در قلب آن بخش از توصیف دارایی‌های قبیله‌ای، مکان خیمه را داریم، جایی که خدا برای سکونت در میان قوم خود می‌آید. بنابراین اینها برخی از نظرات در مورد ساختار هستند.

ز. مضامین اصلی الهیاتی

درست در صفحه بعد، صفحه ۸۱۵، «مضامین اصلی الهیاتی» آمده است. وقتی به کوروار و سایر مطالب نگاه می‌کنید، می‌توانید مضامین اصلی ابتکار الهی و حضور الهی را ببینید. خداوند کسی است که دستور در فتح خود رهبری می‌کند و در میان آنهاست. بنابراین، Israel می‌دهد؛ او ابتکار عمل را به دست می‌گیرد. او ابتکار الهی و حضور الهی مضامین اصلی هستند. در نیمه صفحه، مضمون جنگجوی الهی نیز در یوشع کاملاً برجسته است.

چیزی که در صفحه بعد در مورد آن صحبت کردیم، زمین به عنوان هدیه‌ای برای ارث است. به پاراگراف آخر در صفحه ۸۱۶ مراجعه کنید: «آنها می‌گویند که زمین یک هدیه یا ارث بود، و گفتن اینکه یهوه هیچ مسئولیتی در Israel در نبردهای فتح برای آن می‌جنگید، به این معنی نیست که Israel جنگجوی الهی بود که به او دستور داده شده بود که زمینی را که یهوه به او داده بود، تصاحب کند. تلاش انسانی با Israel. این فتح نداشت ابتکار الهی مستثنی نیست. بلکه، وقتی که مطابق با هدایت الهی اعمال شود، توسط یهوه برای رسیدن به اهدافش.» استفاده می‌شود.

نظرات در مورد هرم و آخرالزمان پیش‌بینی شده

هرم «توضیحاتی ارائه دهم. این چیزی است که بسیاری از خوانندگان کتاب» در اینجا می‌خواهم در مورد ایده land of به آنها دستور داده شد تا سرزمین را تصرف کنند Israel یوشع را نگران کرده است. هنگامی که

به آنها دستور داده شد تا ساکنان آن را نیز نابود کنند. عمل «هرم» که وقف چیزها به یهوه با نابودی، Canaan، کامل آنهاست، توسط برخی به عنوان عملی غیرمسیحی تلقی شده است. این کلمه‌ای است که جان برایت استفاده استفاده از «هرم» با توجه به وحی بیشتر کتاب مقدس، به ویژه در Israel می‌کند. پیامد این ارزیابی این است که عهد جدید، مشکوک است. برای برخی حتی به این معنی بوده است که مفهوم خدا در عهد عتیق نسبت به مفهوم خدا در عهد جدید پایین‌تر است.

باید توجه داشت (فکر می‌کنم وقتی به این سوال نگاه می‌کنید، این بسیار مهم است)، که پیدایش، با این حال ابزار خدا برای داوری الهی بر کنعانیان به خاطر Israel، نشان می‌دهد که وقتی زمان فتح فرا رسید ۱۶:۱۵ گناهانشان خواهد بود. پیدایش ۱۶:۱۵ شرحی از وعده خداوند به ابراهیم است که قرار بود سرزمین کنعان را به فرزندانش بدهد، اما آنها ابتدا به مدت ۴۰۰ سال به مصر رفتند و دوباره بیرون آمدند. پیدایش ۱۶:۱۵ دلیل آن را توضیح می‌دهد: «گناه اموریان هنوز کامل نشده است.» وقتی گناه اموریان کامل شد، خدا قرار بود بر آن اموریان در زمان فتح بود. کنعانیان چنان سرزمین را با اعمال Israel داوری کند. ابزار داوری خدا بر اموریان و کنعانیان نابودی کنعانیان نمونه‌ای Israel شرورانه خود آلوده کرده بودند که زمین ساکنان خود را استفرغ می‌کرد. بنابراین بلکه باید آن را به عنوان اجرای داوری الهی بر Canaan. از تجاوز غیرمسیحی علیه ساکنان بی‌گناه... نیست این ابزار آن داوری الهی است. این ابتکار الهی در فتح است که/ینجا Israel. مردمان شریر غرق در گناه دانست / از قلمرو تمام جنگ‌های تهاجمی دیگر که بر اساس منافع شخصی طبیعی هستند، خارج می‌کند. این چیزی نیست که این بود. این آن را در موقعیتی منحصر به فرد قرار می‌دهد تا از قبل سرنوشت نهایی همه مردمی را که خدا را نابودی کنعانیان توسط او را Israel که پروردگار تمام زمین است، رد می‌کنند، نشان دهد. این همان چیزی است که از تمام جنگ‌های به اصطلاح "مقدس" دیگر متمایز می‌کند.

حالا پاراگراف بعدی چیزی در مورد جنگ مقدس می‌گوید. این اصطلاح امروز دوباره مطرح شده است. من «جنگ مقدس» انجام نمی‌دادم». جنگ مقدس «یک اصطلاح کتاب Israel. جهاد در اخبار همه جا هست مقدسی نیست. اگر به «جنگ مقدس» در آن پاراگراف توجه کنید، من این نظر را دوست دارم»: باید دانست که اصطلاح «جنگ مقدس» در هیچ کجای عهد عتیق برای توصیف فتح استفاده نشده است. اصطلاح مناسب‌تر جنگ یهوه «است، اعداد ۱۴:۲۱، اول سموئیل ۱۸:۷۰، ۲۵:۲۸، جایی که این زبان استفاده شده است.» این «فتح [یهوه] منعکس شده است Israel جنگ یهوه بود. واقعیت وحی الهی و داوری الهی بر گناه در روایات که با ابتکار الهی انجام شد و با حضور الهی انجام شد. این موضوعی است که در سراسر کتاب جریان، Canaan، دارد. این موضوعی است که هم عهد عتیق و هم عهد جدید تصور می‌کنند که در نهایت در روز آخر الزمانی خداوند به اوج خود می‌رسد. پیامبران در مورد آن حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. خدا خواهد آمد و دشمنان خود و کسانی را که به او ایمان نیاوردند و در راه او گام برنداشتند، نابود خواهد کرد.

نباید به عنوان نمونه‌ای از تکامل متوقف‌شده در حوزه Canaan این دیدگاه نشان می‌دهد که فتح [مکان]

اخلاقی، بلکه به عنوان نمونه‌ای از آخرالزمان پیش‌بینی‌شده در نظر گرفته شود. کلمات «تکامل متوقف‌شده در حوزه اخلاقی» و «مکان‌شناسی پیش‌بینی‌شده» کلماتی بسیار مهم هستند. فکر می‌کنم این خلاصه‌ای از آن است. به این مکان مقدس به عنوان چیزی که از نظر اخلاقی در سطح پایین‌تری از وحشت قرار دارد، نگاه نکنید، در حالی که کتاب مقدس واقعی در عهد جدید به سطح جدیدی ارتقا می‌یابد. به کتاب یوشع با نابودی کنعانیان توسط خداوند به عنوان آخرالزمان پیش‌بینی‌شده نگاه کنید - این روز خداوند به شکل پیش‌آگاهانه است. من فقط می‌خواهم متوجه شوید که به شکلی بسیار کامل‌تر، معنای کامل خود را در مسیح دارد. عهد جدید در مورد آن صحبت می‌کند، عیسی در مورد آن صحبت می‌کند و کتاب مکاشفه در مورد آن صحبت می‌کند. عهد جدید خالی از این نوع مفاهیم نیست. من فکر می‌کنم پشت همه اینها این ایده نهفته است که خداوند نژاد بشر و جهان اشغال شده توسط انسان‌ها را به گونه‌ای آفریده است که منعکس‌کننده نظم اخلاقی کیهان باشد. خداوند شر را داوری خواهد کرد. او شر را بسیار جدی می‌گیرد. در نهایت هیچ راه فراری از داوری وجود ندارد و کنعانیان این را تجربه کردند. در نهایت همه کسانی که با خدا مخالفت می‌کنند آن را تجربه خواهند کرد.

در زمان حال، یا در زمانی که قوم خدا امور را از نظر سیاسی به شکلی متفاوت سازماندهی می‌کنند، اما داوری خدا در این دوره بر خود مسیح نازل شد، اکنون شما بردباری و لطف خدا را دارید که به سوی مردم دراز می‌شود تا او را بپذیرند. اما روی دیگر سکه این است که همه، داوری‌ای را که کنعانیان تجربه کردند، تجربه نخواهند کرد.

رونویسی توسط آندره سانتوس
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط الیزابت فیشر
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت